

قضاء و چگونگی آفرینش عدالت

قسمت (هجدهم)

چگونگی مشروعیت تقبید اختیار بر اراده آزاد انسان وسیلۀ قانون:

منظور و هدف من درین نبشته فقط عملکردهای فردی و وظیفوی در
زندگی اجتماعی و نظام های سیاسی است؛

محتویات این نبشته صرف نظر از اینکه در چه زمان و مکانی اتفاق می افتد بطور مستقیم در تأمین
و ایجاد عدالت اجتماعی اثر مؤثر داشته و بسا هم اتلاف حق و محو عدالت خوانده می شود. ببینید:
قیودات مشروع قانونی و شرعی هم می تواند بر اراده آزاد انسان اثر گذار و یا در بسا موارد الزام
بطور مطلق مانع اراده آن گردد مگر اینکه اراده در همان راهیکه مشروع دانسته شده و قیوداتی بر آن
وضع گردیده است سوق گردد، زمانیکه در محدوده های تحت فرمان شریعت و قانون انسان به کردن و
یا نکردن اعمالی مکلف میشوند ناگزیر اختیار انسان تحت همین شرایط مقید گردیده و تخلف از آن جرم
پنداشته می شود؛ ببینید! قتل، سرقت، اختطاف و همه اعمال جنایی که (بسا کردن و بسا هم ناکردن آن)
حرام و ممنوع بوده و یا مبادرت به آن جرم است.
اما جهت دیگر این اوامر - سلسله اعمالی هستند که انجام آن از همان مراجع ذکر شده یعنی (قوانین نافذ
به اراده مردم) که اعمال قانونی خیر انگاشته میشود و به نظم و نظام کشوری نیز ارتباط می گیرد
درین راستانیز کردنش واجب و لازم و نکردنش جرم پنداشته میشود بگونه مثال هدایات قانونی
نظامهای سیاسی در چوکات قوانین نافذ دوران ایشان که مدلل بر روحیه هدایات قوانین تجربه شده با
قواعد شرعی در تخلف قرار نداشته و مورد پذیرش مردم قرار گرفته است و یا اطاعت از هدایات جایز
مافوق به مادون و یا اوامر جایز قوماندانان نظامی به پرسونل تحت اوامر شان و یا اجرای مجموع
هدایاتیکه بر مبنای اراده مردم در قوانین تسجیل و درج است.
امادر تقابل به آنچه تذکر داده شد نوع دیگری از اعمال و استعمال زور و قدرت است که نه قانون شناسد
و نه مشروعیت و نامشروع و فقط و فقط اوامر بایستت عمل شود و آنچه میخواهند اجرا و در صورت عدم
اجرا باید هر آنچه بر سر شان آید بپذیرند:
ولی فراموش نمی کنیم زمانیکه که فراتر از این دایره و یا جاذبه هر آنچه متذکر شدیم ایجاد پدیده های
منفی چون تخلفات قانونی و ارتکاب اعمال جنائی به میان آید جرایم و جنایات خارج از دایره اعمال
قانونی محاسبه و موافق به روحیه قانونیت جرم و جزاء قابل تطبیق است.
به هر صورت حاصل سخن این است که:
چنین رویکرد ها و پدیده های ایجاد شده ی مشروع در جامعه ایکه اراده و موافقه افراد یک جغرافیا
رانیز شامل میگردد و شهروندان آن مکلف به اجرای آن هستند می تواند زمانی با سر نوشت و ازگون
روبرو و همان اعمال مشروع نامشروع خوانده شوند، چون این امر فرضیه و تخیل نیست و تجارب و
سرگذشت صفحات تاریخ گواه آن است که دیگرگونی های در جامعه رونما و آن نظم و نظام سیاسی و
قوانین نافذ منحل و یا هم به تعویق افتاده و فضای دیگری بنامهای گوناگون چون انقلاب، کودتا، تغییر
نظام و امثال آن در جامعه پدیدار و پیماد های جدیدی همراه داشته است.

اینجاست که بر مبنای دید گذشته ها و تجارب حاصله در بُر هه های مختلف تاریخ جامعه و افراد آن با برخورد های عجیب و غریبی روبرو و بار رنج و عذاب پیش آمده را بدوش می کشند:

بارها دیده شده است که قدرتها و یا نظامهای سیاسی نو ظهور فراتر از حوادث رخ داده در حین اجرای عمل بعد از قبض قدرت روی مرام و اهدافیکه دارند از اعمال منفی و جنایات ارتكابیۀ گذشته ی افراد در گذر و بدون اینکه نوعیت جرایم تشخیص و دیده شوند که عاملین این اعمال چی کسانی هستند؟ آنها را مورد عفو و بخشایش قرار می دهند (منظورم در این راستا تلافی حقوق محضۀ افراد جامعه و مال و حقوق ملت، خیانت ملی و یا مجرمین خطر ناک شناخته شده در جامعه، مختلسین بیت المال، و همدیفان این نوع انسانها هستند) که ملت و جامعه ممکن آنها را نبخشند و عواقب بدی در قبال داشته باشد. پس سوال اینجاست که ایشان می توانند (حقوق افراد جامعه) رابه این سان بدون تأمل ببخشند؟ و تضمینی بر جنایات مکرر جانیان آزاد شده در کجای کار وجود دارد؟

جان مطلب ویر داشت قابل توجه از تذکرات بالا را می توانیم چنین بر جسته سازیم که: (کار و ماموریت افراد جامعه در نظام های سیاسی و یا حکومت گذشته همه بطور مطلق جرم و یا بطور عام و مطلق بدون توجه به اعمال گذشته آنها همه پاک و مبرا اند؟) و افراد متابعت کننده از قوانین نافذ وقت در مملکت قابل مجازات اند؟

اکنون میشود این مباحث را در ورای عناوین و پرسشهای زیرین به بر رسی گیریم:

۱ - اطاعت بدون چون و چرا از اوامر قوانین نافذ در سطوح نظامی و غیر نظامی:

۲ - عملکرد های فرا قانونی با پیروی از اراده شخص و زور و قدرت آنها:

۳ - آيا جنایات و تخلف از قانون و شریعت، تجاوز بر حق و مال فرد و جامعه چون قتل و اختلاس، خیانت به وطن، استفاده سؤ از قدرت و امثالهم می تواند مورد عفو قرار گیرد؟ و تحقق چنین امری عدالت را به کجا می برد و عدالت بطور صریح محو نمیگردد؟

و سایر پرسشهاییکه در ادامه خواهد آمد:

با تقدیم حرمت، سخی صمیم.
ادامه دارد: